



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مہرداد صفا

میرزا آقا خان نوری

و حسینعلی بہاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میرزا آقا خان نوری و حسینعلی بهاء

نویسنده:

مهرداد صفا

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	میرزا آقا خان نوری و حسینعلی بهاء
۶	مشخصات کتاب
۶	میرزا آقا خان نوری؛ پیوند با انگلیس و روس
۷	تباهی اخلاق
۷	میرزا آقاخان و حسینعلی بهاء
۸	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

میرزا آقا خان نوری و حسینعلی بهاء

مشخصات کتاب

مؤلف: مهرداد صفا

بهائیت آن گونه که هست / مؤسسه جام جم / چاپ اول / ۱۳۸۷

برگرفته از کتاب:

میرزا آقا خان نوری؛ پیوند با انگلیس و روس

مورخان نوعاً میرزا آقاخان نوری اعتماد الدوله (۱۲۸۱-۱۲۲۲ق) را فردی «انگلو فیل و تحت‌الحمایه انگلیس» می‌شمارند و بر تباهی اخلاق و اعمال او، به ویژه نقشش در فرایند عزل و قتل امیر کبیر اتفاق دارند. سخن را از بستگی او به بیگانگان آغاز می‌کنیم: به نوشته دکتر منصوره اتحادیه: میرزا آقاخان «قبل از صدارت رسماً تحت‌الحمایه دولت انگلیس بود». [۱] دیگران همچون عباس اقبال، فریدون آدمیت و عبدالرضا هوشنگ مهدوی نیز بر همین باورند. [۲] و اسناد و منابع خارجی هم به این نکته صراحت دارند. مری شیل، همسر کلنل شیل (سفیر انگلیس در زمان امیر) با اشاره به نکته فوق می‌نویسد: پس از عزل امیر، و تصمیم ناصرالدین شاه به واگذاری صدارت به میرزا آقاخان، شاه سه روز آقاخان را در کاخ سلطنتی زندانی کرد و از وی خواست که یکی از دو راه را انتخاب کند: «قبول صدر اعظمی شاهنشاه و یا ادامه دادن به نوکری سفیر انگلیس». وی نیز برای «تعیین تکلیف خود و رهایی از محبس... پیغامی به سفارت انگلیس» فرستاد «تا بداند که صلاح کارش چیست؟ جواب سفارت این بود: مسلماً قرار داشتن در تحت حمایت انگلیس از تاج کیانی هم برتر است، ولی چون میرزا آقاخان جهت صدر اعظمی ایران برگزیده شده بهتر است خودش در این باره تصمیم بگیرد، و به این ترتیب نظر شاه تأمین شد و صدراعظم با دست کشیدن از تحت‌الحمایگی انگلستان» صدارت را از آن خود ساخت. [۳]. کلنل شیل نیز پس از آن ماجرا در نامه ۱۸ نوامبر ۱۸۵۱ به پالمستون وزیر خارجه انگلیس نوشت: «از آنجا که الغای تحت‌الحمایگی به زور از اعتمادالدوله [میرزا آقاخان] گرفته شده، نمی‌دانم آن را معتبر بدانم یا این که اگر روزی اعتمادالدوله را دستگیر و یا تبعید کردند، می‌توانم به پشتیبانی او به عنوان عنصر تحت‌الحمایه انگلیس دخالت کنم؟ البته در هر حال اگر به سفارتخانه روی آورد پناهش خواهم داد». [۴]. حقوق‌گیری از سفارت، اتهام دیگر آقا خان است. [۵] پس از عزل او، سفیر ایران در دربار تزار طی گفتگو با وزیر خارجه روسیه خاطر نشان ساخت که: میرزا آقاخان، از بدو امر... وابستگی به دولت انگلیس داشت و... اعتقاد بعضی، این بود که از دولت انگلیس، موظف هم بوده است. وزیر خارجه روسیه نیز سخنان وزیر مختار ایران را «تصدیق» کرد. [۶] او کراراً برای حل مشکلات و پیشبرد اهداف خود به سفارت انگلیس ملتجی شده است. [۷]. گروهی از مطلعین، نوری را در مقدمات ایجاد «فراموشخانه فراماسونری» توسط ملکم خان ارمنی در ایران، دخیل و مؤثر می‌شمرند [۸] و بعضی از نویسندگان پا فراتر نهاده و (همچون سعید نفیسی) آقاخان را عضو فراموشخانه ملکم و حتی (همچون خان ملک ساسانی) عضو گراند لژ انگلیس می‌دانند. [۹]. با چنین خصوصیتی، میرزا آقاخان (در حیات سیاسی خود) راهی جز رعایت دستورات لندن نداشت. آدمیت از وی به عنوان «صدراعظم بیگانه پرست» یاد می‌کند [۱۰] که «یکسره تسلیم سفارت انگلیس بود». [۱۱] دیگران نیز وی را «همواره زیر چتر حمایت بریتانیا» [۱۲] و «صورتاً و معنأً از کارکنان انگلیس» دانسته‌اند. [۱۳] آقاخان حتی اسرار محرمانه ایران را به انگلیسی‌ها لو می‌داد. [۱۴] آدمیت می‌نویسد: «در گزارش‌های وزیر مختار انگلیس بارها می‌خوانیم که میرزا آقاخان اسرار سیاسی دولت را در امور داخلی و همچنین گفتگوهای امیر [کبیر] را با سفارتخانه‌های خارجی، به طور «محرمانه» به سفارت انگلیس در تهران خبر می‌داده است. [۱۵]. جالب است که میرزا آقاخان، در اواخر دوران صدارت (که اوضاع را برای بقایش مساعد

نمی‌دید) به روسها نزدیک شد. [۱۶] و به همین دلیل هم پس از عزل وی توسط ناصرالدین شاه، تزار از شاه ایران مصراً درخواست کرد که جان او محفوظ مانده و خونش ریخته نشود! [۱۷].

تباهی اخلاق

آقاخان، افزون بر فساد سیاسی، تباهی اخلاقی نیز داشت. خودنمایی و تکبر نسبت به مردم و در عین حال چاپلوسی در برابر شاه، همراه با هرهری مسلکی، پول پرستی، خودفروشی و نیرنگ، از سیئاتی است که مورخان ایرانی در کارنامه اش نوشته‌اند. [۱۸] کلنل شیل، در نامه به پالمستون راجع به او می‌نویسد: «دامنش ملوث به پول پرستی است و مطلقاً در قید آن نیست که از چه راهی به دست می‌آورد». [۱۹] در نامه دیگر نیز می‌گوید: «از آنجا که میرزا آقاخان آدم ناقلا و نیرنگ سازی است» امیر کبیر «از او بدش می‌آید. بعلاوه مردی است به نهایت خود فروش». [۲۰] آقاخان، خود، فاسد بود و متأسفانه رفتارش بر شاه جوان نیز تأثیر سوء می‌نهاد. [۲۱]. او به دلیل سوء سیاست هایش - بر خلاف امیر کبیر - بین مردم محبوبیتی نداشت، بلکه خود و حتی بستگانش مورد نفرت مردم قرار داشتند. [۲۲] و فی‌المثل تجار کشور در جریان درگیری ایران و انگلیس در زمان صدارتش، از کمک به دولت سرباز زدند. [۲۳] بی‌جهت نیست که برخی از رنود، به عنوان ماده تاریخ مرگ او (۱۲۸۱ق) تعبیر «عثمان ثانی» را ساختند. [۲۴] شاه نیز به وی بی‌اعتماد بود و لذا، چنانکه گذشت، در آستانه صدارت از وی تعهد گرفت که به دولت ایران خیانت نکند. [۲۵]. دشمنی با امیر کبیر، و توطئه بر ضد وی تا مرحله عزل و قتل او [۲۶] بی‌کفایتی و تعلل در دفاع از مرزها و مصالح ایران در جریان درگیری انگلیسی‌ها با ایران بر سر هرات و افغانستان (که به تجزیه هرات از کشورمان انجامید) [۲۷] و نیز اخلال در کار دارالفنون [۲۸]، خبطها و خیانت‌هایی است که کارنامه سیاسی آقاخان را سیاه کرده است. در ماجرای درگیری نظامی ایران و انگلیس بر سر هرات، نامه‌ای محرمانه به سفیر انگلیس نوشت و در آن، ضمن بری شمردن ذمه‌اش از جنگ با انگلیس، شاه را عامل کشاکش با بریتانیا خواند و برای خود «کما فی السابق بستگی به دولت انگلیس را طالب» شده و وعده داد که کلاً بر وفق «منظورات آن دولت» اقدام خواهد کرد. این نامه به دست شاه افتاد و میرزا سعید خان انصاری (دستیار امیر کبیر، و وزیر خارجه ایران پس از قتل آن بزرگمرد) پس از عزل آقاخان، برای منصرف ساختن روسها از حمایت او، آن را به روسها نشان داد. [۲۹]. این بود منش و روش میرزا آقاخان؛ نا راست مردی که تاریخ، قضاوتی سخت منفی نسبت به او دارد و به قول برخی مورخان، که پرونده‌اش را نیک بررسی کرده اند: «دزدترین دزدان، رسواترین رسوایان، و خائن‌ترین خائنان» ادوار تاریخ ما قبل معاصر ایران است. [۳۰]. اینک که با ماهیت و مواضع میرزا آقاخان آشنا شدیم نوبت آن است که روابط و مناسبات او با حسینعلی بهاء را بررسی کنیم:

میرزا آقاخان و حسینعلی بهاء

سابقه روابط بهاء و میرزا آقاخان، به دوران پدرشان: میرزا عباس نوری (پدر بهاء) و میرزا اسدالله خان نوری (پدر آقاخان) می‌رسد و میرزا عباس اساساً ترقی سیاسی را در پایتخت با نویسندگی در دفتر لشکر (اداره حسابداری وزارت جنگ) آغاز کرد که ریاست آن با پدر آقاخان بود. [۳۱]. به گفته منابع بهائی: زمانی که آقاخان توسط میرزا آقاسی تنبیه بدنی و جریمه مالی شد و به کاشان تبعید گردید، آقاخان توان پرداخت وجه را نداشت و بهاء به کمک او آمد و پول لازم را برای او تهیه کرد و در طول تبعید نیز به وی کمک مالی داد. [۳۲] چنان که قبلاً گذشت، جرم آقاخان در آن واقعه، از جمله، داشتن ارتباط با سفارت انگلیس بود. [۳۳] و حتی آقاخان کوشیده بود «سفیر انگلیس را حامی خود» قرار دهد که البته شاه نپذیرفته بود. [۳۴]. نوری، طبق نوشته مطالع الانوار، با نظر امیر کبیر مبنی بر خشکاندن ریشه غائله بایبان به وسیله اعدام باب، مخالف بود. علاوه بر این، امیر، پیرو کشف برخی از توطئه‌های بایبان بر ضد او و دولت در تهران، بهاء را در ۱۲۶۷ق به عراق تبعید کرد، اما پس از برکناری وی، میرزا آقاخان رسماً از

بهاء دعوت کرد به تهران برگردد و پس از بازگشت نیز او را توسط برادرش (جعفرقلی خان) یک ماه تمام در منزل برادر، مورد پذیرایی گرم قرار داد. [۳۵] سپس هم بهاء را به ده افجه انتقال داد که از مستملکات خود آقاخان بود. [۳۶]. به نوشته عباس امانت (مورخ بهائی تبار): بهاء «که هم ولایتی صدراعظم بود، از دیر باز با نوری و خانواده‌اش آشنایی داشت. امیر کبیر در ۱۲۶۷ هـ ق وی را به عتبات تبعید کرده بود. او پس از بازگشت از این سفر ماهها مهمان صدراعظم بود و قبل از سوء قصد در خانه جعفرقلی خان، یکی از برادران میرزا آقاخان نوری، در شمیران به سر می‌برد...». [۳۷] ابوالقاسم افغان، مورخ معاصر بهائی، نیز می‌نویسد: آقاخان «در وقت ورود» بهاء از عراق «به طهران...، برادرش جعفرقلی خان را مأمور میهمان داری و پذیرایی از حضرت بهاءالله نمود. او در افجه در باغ شخصی خودش وسائل پذیرایی فراهم ساخت و ایشان به باغ تشریف بردند» و سران بایبه به دیدار او می‌رفتند. [۳۸]. از نامه سلیمان خان تبریزی (از عناصر مهم بایبه) پس از تبعید امیرکبیر به کاشان خطاب به سید جواد کربلایی (از بزرگان بایبه) برمی‌آید که بایبان به حکومت میرزا آقاخان خوشبین بودند و صدارتش را مایه پیشرفت کارشان می‌شمردند. سلیمان خان می‌نویسد: «امیرنظام بحمدالله تمام شد، معزول ابدی گردید. الان در باغ فین کاشان محبوس است. میرزا آقا خان اعتمادالدوله وزیر و صدراعظم گردید. ان شاءالله امورات بهتر نظم خواهد گرفت. البته جناب ایشان [حسینعلی نوری] باید خیلی زود تشریف فرما شوند که وجود مبارک ایشان مثمر ثمر است». [۳۹]. مطالع الانوار، از منابع مهم بهائی، می‌نویسد:

آقا خان «برای حفظ مقام خویش در اول می‌خواست میانه اصحاب باب و دولت، صلح و آشتی برقرار سازد و لکن واقعه تیراندازی به [ناصرالدین] شاه مانع مقصود او شد...». [۴۰]

حتی پس از ترور نافرجام شاه توسط بایبان و تعقیب سخت آن جماعت از سوی دربار، میرزا آقا خان در صدد مخفی کردن بهاء (که متهم به همدستی با ترویه‌ها بود) برآمد [۴۱]، که البته خود بهاء، با احساس خطر شدید، پیشنهاد آقا خان را نپذیرفت و «شتابزده» خود را به خانه شوهر خواهرش: میرزا مجید آهی، رساند که منشی سفارت روسیه بود و در زرگنده (محل ییلاقی سفارت روس) و در مجاورت خانه سفیر روس (پرنس دالگوروکی) می‌نشست و پس از آن نیز شخص سفیر، به شرحی که در متون معتبر بهائیت آمده، بهاء را تحت حمایت آشکار و پیگیر خود گرفت و با سرسختی تمام، موجبات رهاییش از حبس و قتل، و خروج بی‌خطر از ایران را فراهم ساخت.

(ایام: در مقاله «حسینعلی بهاء؛ پیوند دیرپا با روس تزاری» مفصلاً به این مطلب پرداخته شده است). پس از دستگیری بایبان به جرم قتل شاه نیز، زمانی که بهاء (علی رغم پناهندگی به خانه امن فامیلش: منشی سفیر روسیه) توسط میرزا علی خان حاجب‌الدوله (فراشاهی دربار) دستگیر و حبس شد، میرزا آقاخان، بابت این عمل شدیداً نسبت به حاجب‌الدوله «عداوت» نشان داد و حتی، به نشانه اعتراض، در مقام استعفای از صدارت برآمد، که البته شاه، از حاجب‌الدوله حمایت کرد و استعفای وزیر را نپذیرفت. [۴۲]. این سوابق، سبب شده است که منابع بهائی، نسبت به میرزا آقاخان نوری (با همه منفوری او نزد ملت ایران) لحنی جانبدارانه اتخاذ کنند و اقدامات او زمان صدارت در حمایت از بهاء را با آب و تاب گزارش کنند. [۴۳].

پاورقی

- [۱] گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰ - ۱۲۰۰ق)، منصوره اتحادیه، ص ۲۸۵.
- [۲] میرزا تقی خان امیرکبیر، عباس اقبال، ص ۳۱۹؛ امیر کبیر و ایران، فریدون آدمیت، صص ۷۰۱ - ۶۹۹؛ «میرزا آقاخان تبعه انگلیس بود یا تحت الحمایه»، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۸۱ - ۸۲، ص ۱۲۵.
- [۳] خاطرات لیدی شیل، ترجمه دکتر ابوترابیان، ص ۲۲۳.
- [۴] امیرکبیر و ایران، ص ۷۰۰.

- [۵] میرزا تقی خان امیر کبیر، ص ۳۱۸.
- [۶] یکصد سند تاریخی دوران قاجاریه، ابراهیم صفایی، ص ۶۵.
- [۷] ر.ک، سیاستگران دوره قاجار، خان ملک ساسانی، ۱ / ۱۴ - ۱۵؛ مجله محیط، سال ۱، ش ۲، مهر ۱۳۲۱ ش، ص ۵۵، به نقل از: مقاله کنت دو گوینو، مندرج در: مجله پاریس، سال ۴۰، ش ۴، فویه ۱۹۳۳؛ خلسه، اعتمادالسلطنه، ص ۸۶.
- [۸] ر.ک، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، فریدون آدمیت و...، ص ۶۵.
- [۹] ر.ک، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین، ۱ / ۵۲۲ - ۵۲۲.]
- [۱۰] امیر کبیر و ایران، ص ۶۴۸.
- [۱۱] همان، ص ۶۴۲.
- [۱۲] آدمها و آئینها در ایران...، کارلاسرنا، ترجمه علی اصغر سعیدی، ص ۹۹.
- [۱۳] گزارش ایران...، مخبرالسلطنه، ص ۸۳ و نیز ص ۷۴.
- [۱۴] امیر کبیر و ایران، ص ۶۹۹.
- [۱۵] همان، ص ۱۹۶، به نقل از: تلگراف شیل به پالمستون، ۲۱ ژوئن ۱۸۵۰ و ۴ اوت ۱۸۵۱.
- [۱۶] ر.ک، یکصد سند تاریخی، ص ۶۹.
- [۱۷] همان، ص ۶۶.
- [۱۸] ر.ک، سیاستگران دوره قاجار، ۱ / ۱۷، ۲۲ - ۲۱ و ۴۵؛ خاطرات و خطرات، مخبرالسلطنه، ص ۷۹؛ شرح حال رجال ایران، بامداد، ۴ / ۳۶۴ و ۳۶۸.
- [۱۹] امیر کبیر و ایران، ص ۶۹۸.
- [۲۰] همان، ص ۶۹۸.
- [۲۱] ر.ک، سیاستگران دوره قاجار، ۱ / ۱۷.
- [۲۲] ر.ک، گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران...، ص ۲۸۳؛ خلسه، اعتمادالسلطنه، ص ۸۶ و ۸۹.
- [۲۳] سه سال در ایران، فوریه، ص ۵۶ - ۵۷.
- [۲۴] یغما، سال ۱۴، ش ۵، مرداد ۱۳۴۰ ش، یادداشت‌های فرهاد میرزا.
- [۲۵] اسناد و نامه‌های امیر کبیر، تدوین سید علی آل داود، ص ۲۲۰.
- [۲۶] ر.ک، سیاستگران دوره قاجار، ۱ / ۳ - ۵ و ۴۳ - ۴۲؛ امیر کبیر و ایران، ص ۷۰۴، ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۴۴ و...؛ خلسه، اعتمادالسلطنه، ص ۸۶؛ رجال دوره قاجار، حسین سعادت نوری، ص ۲۰.
- [۲۷] ر.ک، سیاستگران دوره قاجار، ۱ / ۳۲ - ۲۹. و نیز: امیر کبیر و ایران، صص ۶۴۰ - ۶۴۸؛ شرح زندگانی من، مستوفی، ۱ / ۸۱ - ۸۴؛ یکصد سند تاریخی، ص ۶۷؛ رجال دوره قاجار، صص ۱۳۹ - ۱۳۸؛ حقوق بگیران انگلیس در ایران، رائین، صص ۲۷۱ - ۲۷۵؛ گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران...، ص ۲۸۰ و ۲۸۲.
- [۲۸] میرزا تقی خان امیر کبیر، عباس اقبال، صص ۴۸۴ - ۴۸۵.
- [۲۹] یکصد سند تاریخی، ص ۶۸.
- [۳۰] امیر کبیر و ایران، ص ۷۵۹.
- [۳۱] شرح حال رجال ایران، ۶ / ۱۲۷.
- [۳۲] بهاء الله شمس حقیقت، ح.م. بالیوزی، ترجمه مینو ثابت، ص ۱۲۹.

[۳۳] سیاستگران دوره قاجار، ۱ / ۱۴ - ۱۵.

[۳۴] خلسه، ص ۸۶، از زبان خود میرزا آقاخان در محاکمه‌ای خیالی.

[۳۵] مطالع الانوار...، ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع، ص ۵۹۰.

[۳۶] همان، ص ۵۹۱.

[۳۷] قبله عالم، عباس امانت، ص ۲۸۸. نیز ر.ک، توضیحات و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوایی در کتاب فتنه باب، صص ۲۰۱ - ۲۰۰.

[۳۸] عهد اعلی...، ص ۴۹۳.

[۳۹] همان، ص ۴۹۳.

[۴۰] مطالع الانوار، ص ۵۹۸.

[۴۱] ر.ک، همان، صص ۵۹۲-۵۹۳.

[۴۲] روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۵۷، یادداشت ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۱ق.

[۴۳] برای نمونه ر.ک، مطالع الانوار، ص ۵۰۶ و بعد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

